

Received:2024/7/2
Accepted:2024/9/18
Vol.22/No.85/Autumn2025

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
erfan.eslami.zanjan@gmail.com
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Analyzing the Effect of Mystical Literature on Students' Ethics in Secondary School

Fatemeh Morady

Assistant Professor, Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.
fmoradi@cfu.ac.ir

Abstract

The aim of this study is to investigate the effect of teaching and analyzing mystical literature texts in secondary school on the development of ethical orientation in students. Given the importance of cultivating spiritual and moral dimensions alongside scientific education, this study seeks to answer the fundamental question of whether exposing students to deep mystical and humanistic concepts found in classical Persian literature can lead to strengthening moral values and responsible behaviors in them. The research method in this study is descriptive-analytical and, using data collection tools including questionnaires and content analysis of descriptive responses, it has examined the ethical attitudes and behaviors of students who have been exposed to targeted teaching of mystical literature. Initial results show that familiarity with the themes of sacrifice, altruism, patience, humility, and truth-seeking found in mystical works can have a positive effect on students' views on moral and social issues.

Keywords: Mystical literature, ethics, Persian Literature, secondary school, students.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۲

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

دوره ۲۲- شماره ۸۵- پاییز ۱۴۰۴- صص: ۱۱۱-۱۴۰

مقاله پژوهشی

تأثیر ادبیات عرفانی دوره دوم متوسطه بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان

فاطمه مرادی^۱

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر آموزش و تحلیل متون ادبیات عرفانی دوره دوم متوسطه بر توسعه اخلاق‌مداری دانش‌آموزان است. با توجه به اهمیت پرورش ابعاد معنوی و اخلاقی در کنار آموزش‌های علمی، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال اساسی است که آیا مواجهه دانش‌آموزان با مفاهیم عمیق عرفانی و انسانی موجود در ادبیات کلاسیک فارسی می‌تواند به تقویت ارزش‌های اخلاقی و رفتارهای مسئولانه در آنان منجر شود؟ روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از ابزارهای گردآوری داده شامل پرسشنامه و تحلیل محتوای پاسخ‌های تشریحی، به بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزانی پرداخته‌است که در معرض آموزش هدفمند ادبیات عرفانی قرار گرفته‌اند. نتایج اولیه نشان می‌دهد که آشنایی با مضامین ایشار، نوع دوستی، صبر، تواضع و حقیقت‌جویی موجود در آثار عرفانی می‌تواند تأثیر مثبتی بر دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به مسائل اخلاقی و اجتماعی داشته‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، ادبیات عرفانی، ارزش‌های اخلاقی، کتب فارسی دوره دوم متوسطه، اخلاق‌مداری.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. fmoradi@cfu.ac.ir

پیشگفتار

آموزش و پرورش در همه دوران‌ها و از دیدگاه‌های مختلف همواره از جایگاه رفیعی برخوردار بوده‌است. در تمام ادیان و از دیدگاه همه فیلسوفان نقش آموزش و پرورش همواره زیربنایی و حیاتی تلقی شده‌است. بدون تردید مهم‌ترین ویژگی که به آموزش و پرورش چنین اعتبار و منزلتی می‌بخشد، رسالت مهم آن است که بر تعالی و تربیت انسان استوار می‌باشد. آموزش و پرورش موظف است که با تمهید شرایط مورد نیاز، زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی را برای نیل به مراتب کمال فراهم سازد (ساکی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، مبحث اخلاقیات سازمانی و حرفه‌ای امروزه نقش پراهمیتی در جهان یافته‌است. به گونه‌ای که اخلاقیات و مباحث مربوط به آن همچون عدالت، انصاف، تعهد و حقوق فردی و سازمانی نقش پررنگ و مهمی یافته‌است. بنابراین مدیران و کارکنان سازمان‌ها برای ایفای امور سازمانی خود افزون بر معیارهای سازمانی و قانونی نیاز به مجموعه‌ای از رهنمودهای اخلاقی و ارزشی دارند، که آنان را در رفتارها و اعمال سازمانی یاری‌دهند و نوعی هماهنگی و وحدت رویه در حرکت به سوی شیوه مطلوب در اخلاق سازمانی را میسر سازد. زیرا امروزه یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی سازمان‌ها و یکی از عوامل مهم موفقیت سازمان‌ها مباحث و اصول اخلاقی می‌باشد (امیرکبیری، داروئیان، ۱۳۹۰: ۸۵).

دوره دوم متوسطه به عنوان یکی از مراحل حساس و تعیین‌کننده در شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دوره، نوجوانان و جوانان نه تنها در معرض آموزش‌های تخصصی و آمادگی برای ورود به دانشگاه و جامعه قرار می‌گیرند، بلکه بنیان‌های ارزشی و اخلاقی آنان نیز تحکیم می‌یابد.

یکی دیگر از ویژگی‌های نوجوانی جستجوی هدف و فلسفه زندگی است که با تمایلات مذهبی آنان پیوندی بس نزدیک دارد. جوانان در این سن شیفته ارزش‌های فرهنگی اعم از ارزش‌های سیاسی یا هنری یا اخلاقی و دینی هستند. هریک از این ارزش‌ها منبع عاطفه مشخصی است که با تجربه خود شخص مطابقت دارد. (ملکی، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۴).

یکی دیگر از ویژگی‌های دوره نوجوانی و جوانی تقلید ارادی است. در دبیرستان غریزه ترقی-خواهی و میل به کمال که نیاز فطری هر انسانی است با تأثیری محسوس‌تر بنای بروز و ظهور می‌-

گذار و در نتیجه تقلید غیرارادی روبه ضعف، و تقلید ارادی روی می‌دهد و خویشتن را برای زندگانی آینده آماده و مهیا می‌سازد (بهمنیار، ۱۳۷۵).

در این میان، ادبیات فارسی به‌عنوان گنجینه‌ای ارزشمند از حکمت، معرفت و تجربیات بشری، می‌تواند نقش بسزایی در پرورش ابعاد مختلف شخصیتی دانش‌آموزان ایفا کند. می‌توان بیان داشت که «ادبیات به‌عنوان ابزاری در خدمت اخلاق و مسائل اخلاقی قرار داشته و از جمله وظایفی که تاکنون به عهده داشته‌است پند و اندرزگویی است که جزئی جدایی‌ناپذیر از ادبیات بوده‌است» (موحد، ۱۳۷۳: ۲۴). یکی از غنی‌ترین و تأثیرگذارترین بخش‌های ادبیات فارسی، ادبیات عرفانی است. بخش بزرگی از ادبیات فارسی به تصوف، عرفان و مبانی سیر و سلوک می‌پردازد. (سجادی، ۱۳۷۶)

نگاه صوفیه به شریعت، هستی انسان و سرانجام و مقصد او، و نیز طبیعت و خدا، نگاهی خلاف عادت و مبتنی بر ذوق و قلب و استنباطی نو از دین بوده‌است؛ از این رو حتی بسیاری از آثار منشور آنان نیز رنگ و بویی شاعرانه دارد و در قلمرو ادبیات به مفهوم خاص جای می‌گیرند که عنصر زیبایی، عاطفه، ابهام در بیان، و کیفیت طرح مضامین و اندیشه‌های بدیع و خلاف عادت در آنها تشخیص دارد. (استعلامی، ۱۳۹۸)

این نوع ادبیات با زبانی نمادین و شاعرانه، به بیان عمیق‌ترین مسائل هستی، انسان و ارتباط او با خالق می‌پردازد. مفاهیمی چون عشق الهی، فنا، وحدت وجود، تزکیه نفس، ایثار، صبر و نوع دوستی که در آثار شاعران و عارفانی همچون مولوی، حافظ، سعدی، عطار و سنایی به‌وفور یافت می‌شوند، می‌توانند دریچه‌ای نو به سوی درک ارزش‌های اخلاقی و انسانی برای دانش‌آموزان بگشایند.

با وجود اهمیت بالقوه ادبیات عرفانی در تربیت اخلاقی، پژوهش‌های نظام‌مند درخصوص تأثیر مستقیم و عینی آموزش این نوع ادبیات بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه، به‌ویژه در بافت نظام آموزشی ایران، نسبتاً محدود است. این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی دیدگاه‌ها و رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزانی که با متون عرفانی آشنا شده‌اند، به درک بهتری از این تأثیر دست‌یابد و زمینه‌ای برای بهره‌گیری مؤثرتر از ظرفیت‌های ادبیات عرفانی در نظام آموزشی فراهم آورد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در دنیای امروز که با چالش‌های اخلاقی و اجتماعی متعددی روبرو است، تربیت نسلی مسئول، متعهد و برخوردار از فضائل اخلاقی، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. نظام آموزشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش کلیدی در این زمینه ایفا می‌کند.

در رأی صادره در ششصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش اهداف آموزش متوسطه به هشت دسته اهداف؛ اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، فرهنگی هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی تقسیم شده‌است که تمامی مدیران، برنامه‌ریزان و همه افرادی که در تعلیم و

تربیت دانش‌آموزان نقشی دارند، مکلفند در برنامه‌ریزی امور، سازماندهی فعالیت‌ها و انجام وظایف مربوط به‌گونه‌ای اقدام‌نمایند که تا پایان دوره تحصیلی دستیابی دانش‌آموزان به اهداف تعیین‌شده، ممکن باشد (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۹).

ویژگی‌های هریک از دوره‌های تحصیلی در اهداف و محتوای برنامه درسی دوره مربوطه تأثیر مستقیم دارد. چون محتوایی که برای دانش‌آموزان تدارک دیده می‌شود باید برای معنادار باشد و با نیازها و ضرورت‌های زندگی هماهنگ باشد. براین اساس ویژگی‌های برنامه درسی دوره متوسطه شامل ارتباط با تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، حمایت از ابتکار دانش‌آموز، استدلالی بودن محتوا، توجه به بحث گروهی، تأکید بر هویت فرهنگی، نگرش انتقادی به دانش و کاربرد آن در زندگی، تعادل بین آموزش عمومی و تخصصی، کسب آمادگی برای ورود به بزرگسالی، توجه به سلامت جسمی، روانی و اجتماعی است (ملکی، ۱۳۸۷: ۹۱-۸۵).

بشر ذاتاً تمایلی ندارد مستقیم و آمرانه مورد پند و اندرز قرارگیرد و اینجاست که ارزش شعر در زمینه تعلیم و تربیت آشکار می‌شود چراکه در متون ادبی و مخصوصاً شعر، شاعر مستقیم و آمرانه به پند و اندرز نمی‌پردازد بلکه تعالیم اخلاقی و تربیتی خود را در ضمن سخنان عاطفه‌انگیز و احساسات خود بیان می‌کند (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۰۸).

گنجاندن متون پرمحتوا، به‌ویژه آثار عرفانی که سرشار از آموزه‌های اخلاقی و انسانی هستند، می‌تواند به دانش‌آموزان کمک‌کند تا با مفاهیم والای اخلاقی آشنا شده و درونی‌سازی ارزش‌ها در آنان تقویت شود. مطالعه ادبیات عرفانی می‌تواند دانش‌آموزان را با دیدگاه‌های متفاوت نسبت به زندگی، معنای هستی و ارتباط با دیگران آشنا کند. مفاهیمی مانند فروتنی در برابر عظمت الهی، همدلی با هموعان، گذشت و بخشش و تلاش برای کسب کمالات معنوی، همگی می‌توانند در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای اخلاقی مثبت در دانش‌آموزان مؤثر باشند. از سوی دیگر، بررسی علمی و پژوهشی تأثیر ادبیات عرفانی بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان می‌تواند به برنامه‌ریزان آموزشی و دبیران ادبیات کمک‌کند تا با آگاهی بیشتر نسبت به ظرفیت‌های این نوع ادبیات، روش‌های تدریس مؤثرتری را طراحی و اجرا کنند.

توجه به مفهوم‌های اخلاقی در کتاب‌های درسی از آن رو مهم است که ارزش‌های متعالی مذهبی اخلاقی و رفتارهای منطبق با آن ذاتی و خودانگیخته نیستند و در طی فرآیند رشد به تدریج آموخته و درونی می‌شوند (رایان، ۱۹۹۳).

پرسش‌های پژوهش

آیا آشنایی با متون عرفانی می‌تواند درک دانش‌آموزان از مفاهیم اخلاقی را ارتقا بخشد؟
آیا آموزش ادبیات عرفانی می‌تواند به بهبود رفتارهای اجتماعی و مدنی دانش‌آموزان منجر شود؟

چه جنبه‌هایی از ادبیات عرفانی بیشترین تأثیر را بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان دارند؟

فرضیه‌های پژوهش

آموزش متون ادبیات عرفانی دوره دوم متوسطه تأثیر مثبتی بر سطح اخلاق‌مداری دانش‌آموزان دارد.

مفاهیم ایثار و نوع‌دوستی موجود در ادبیات عرفانی بیشترین تأثیر را بر بعد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاق‌مداری دانش‌آموزان دارند.
بین میزان آشنایی دانش‌آموزان با ادبیات عرفانی و سطح اخلاق‌مداری آنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

-مهدیه اسلامی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های درسی سال دوم راهنمایی تحصیلی با راهنمایی محمد امینی و فریبرز صدیق ارفعی به نقد و تحلیل موضوع مدنظر در دوره راهنمایی پرداخته‌است.

-گروه پژوهش در مبانی برنامه‌ریزی درسی پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی در کتاب مدرسه و تربیت اخلاقی، تربیت اخلاقی را در نظام تربیت رسمی چند کشور جهان در سال ۱۳۹۱ به صورت تطبیقی بررسی کرده‌است.

-محمد شجاعی فرد (۱۳۹۲) در رساله‌ای با عنوان بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتب ادبیات فارسی دوره متوسطه اول با راهنمایی عباس قلتاش و مشاوره مسلم صالحی در دانشگاه آزاد اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد به نقد و بررسی موضوع پرداخته‌است.

-شهلا دهقانی و کیوان بلندهمتان (۱۳۹۶) در مقاله تربیت اخلاقی مبتنی بر ادبیات داستانی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی - چاپ شده در نشریه نظریه و عمل در برنامه درسی - موضوع را با محوریت ادبیات داستانی تحلیل کرده‌اند.

-میمنت عابدینی بلترک (۱۳۹۹) در مقاله "بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی" مطالعه‌ای از نوع تحلیل محتوا انجام داده که در نشریه تعلیم و تربیت اسلامی منتشر شده‌است. وی مباحث تربیت را در کتاب‌های مدنظر بررسی کرده‌است.

-منصور نیک‌پناه (۱۴۰۱) در مقاله تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره متوسطه اول بر اساس میزان توجه بر مؤلفه‌های تربیت اخلاقی، مؤلفه‌های اخلاقی موجود در کتاب‌های فارسی دوره اول متوسطه را نقد و تحلیل نموده‌است.

علی کشوری، محمد شاه بدیع زاده و جواد مهربان (۱۴۰۲) در مقاله ای با عنوان نقد و تحلیل کتاب فارسی (ادبیات) پایه هفتم با رویکرد اخلاق‌مداری و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در آموزش و پرورش، به نقد و تحلیل مفاهیم اخلاقی مندرج در کتاب فارسی پایه هفتم پرداخته‌اند. با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌های مرتبط، به‌نظر می‌رسد که پژوهش‌های خاصی که به بررسی تأثیر مستقیم و نظام‌مند آموزش ادبیات عرفانی دوره دوم متوسطه بر ابعاد مختلف اخلاق‌مداری دانش‌آموزان پردازند، وجود ندارد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا این خلأ پژوهشی را پر کرده و با بررسی تجربی این تأثیر، به درک بهتری از ظرفیت‌های ادبیات عرفانی در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دست‌یابد.

روش تحقیق

این بخش به تشریح جزئیات مربوط به طراحی و اجرای پژوهش حاضر می‌پردازد.

محدودیت های پژوهش

به سبب اینکه این پژوهش در قالب مقاله ارائه‌شده‌است، امکان بررسی تمام دروسی که با موضوع ادبیات عرفانی در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه موجود است، وجود نداشت و برای بررسی تمامی دروس این کتاب‌ها، لازم است که پژوهشی در حد پایان نامه یا رساله صورت‌پذیرد.

طرح پژوهش

نوع پژوهش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی با رویکردی کمی و کیفی (ترکیبی) است. رویکرد کمی از طریق جمع‌آوری و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای به بررسی سطح اخلاق‌مداری و میزان آشنایی با ادبیات عرفانی می‌پردازد، و رویکرد کیفی از طریق تحلیل محتوای پاسخ‌های تشریحی به درک عمیق‌تر نگرش‌ها و استدلال‌های اخلاقی دانش‌آموزان می‌پردازد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری: هفتاد نفر از دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-

۱۴۰۲

روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای. در مرحله اول، تعدادی از دانش‌آموزان متوسطه دوم در سه رشته علوم ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم، از هر رشته انتخاب‌شده، تعدادی دانش‌آموز به‌صورت تصادفی انتخاب و در نهایت، دانش‌آموزان داوطلب به‌عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شدند.

ابزارهای گردآوری داده‌ها

پرسشنامه اخلاق‌مداری: از یک پرسشنامه استاندارد و معتبر برای سنجش ابعاد مختلف اخلاق-مداری استفاده شد. این پرسشنامه شامل سوالاتی با مقیاس لیکرت (برای مثال، از ۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم) بود که ابعادی نظیر:

مسئولیت‌پذیری اجتماعی: احساس تعهد در قبال جامعه و مشارکت در فعالیت‌های مدنی.

احترام به دیگران: رعایت حقوق و حرمت افراد مختلف.

رعایت قوانین و مقررات: پایبندی به قوانین و مقررات اجتماعی و آموزشی.

صداقت و امانت‌داری: راستگویی و حفظ امانت در تعاملات.

همدلی و نوع‌دوستی: توانایی درک احساسات دیگران و کمک به آن‌ها. روایی محتوایی و سازه‌ای پرسشنامه از طریق نظرات متخصصان (دبیران و معلومین و مدیر مدرسه) مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و زیرمقیاس‌های آن ارزیابی شد و مقدار قابل قبول (بیش از ۰.۷۰) مد نظر قرار گرفت.

پرسشنامه میزان آشنایی با ادبیات عرفانی: این پرسشنامه برای سنجش میزان آشنایی، علاقه و درک دانش‌آموزان از متون و مفاهیم ادبیات عرفانی طراحی شد. سوالات این پرسشنامه شامل موارد زیر بود:

میزان مطالعه آثار عرفانی: تعداد و نوع آثار عرفانی مطالعه‌شده توسط دانش‌آموز.

درک مفاهیم کلیدی عرفانی: سوالاتی برای سنجش درک دانش‌آموز از مفاهیمی چون عشق الهی،

ایثار، صبر، وحدت و غیره.

نگرش نسبت به ادبیات عرفانی: میزان علاقه و ارزش قائل شدن دانش‌آموز برای این نوع ادبیات.

میزان مواجهه با ادبیات عرفانی در برنامه درسی: سوالاتی در مورد نحوه ارائه و تدریس متون عرفانی در کلاس‌های ادبیات. روایی و پایایی این پرسشنامه نیز به روش‌های مشابه پرسشنامه اخلاق‌مداری ارزیابی شد.

سوالات تشریحی: در کنار پرسشنامه‌ها، تعدادی سوال تشریحی بازپاسخ ارائه شد تا دانش‌آموزان بتوانند دیدگاه‌ها و استدلال‌های خود را در مورد مفاهیم اخلاقی مطرح‌شده در متون عرفانی به تفصیل بیان کنند. این سوالات شامل موارد زیر بود:

به نظر شما چه مفاهیم اخلاقی در اشعار و داستان‌های عرفانی وجود دارد؟

آیا مطالعه این متون می‌تواند بر نگرش شما نسبت به مسائل اخلاقی تأثیر بگذارد؟ چگونه؟

کدام یک از مفاهیم عرفانی را در زندگی خود قابل استفاده می‌دانید؟ چگونه؟

روش اجرا

پس از اخذ مجوزهای لازم و هماهنگی با مدیر مدرسه، پرسشنامه‌ها و سوالات تشریحی در اختیار نمونه آماری قرار گرفت. شرکت در پژوهش داوطلبانه بود و به دانش‌آموزان اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه خواهد ماند و صرفاً برای اهداف پژوهشی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. زمان کافی برای پاسخگویی به سوالات در نظر گرفته شد و راهنمایی‌های لازم نیز ارائه شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های کمی (پرسشنامه‌ها): داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

آمار توصیفی: محاسبه میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد برای توصیف ویژگی‌های نمونه آماری و متغیرهای پژوهش.

آمار استنباطی: آزمون t مستقل: برای مقایسه میانگین نمرات اخلاق‌مداری بین گروه‌های مختلف (برای مثال، بر اساس رشته و میزان آشنایی اولیه با ادبیات عرفانی).

آزمون همبستگی پیرسون: برای بررسی رابطه میزان آشنایی با ادبیات عرفانی و سطح اخلاق‌مداری دانش‌آموزان و ابعاد آن.

داده‌های کیفی (پاسخ‌های تشریحی): پاسخ‌های تشریحی دانش‌آموزان به روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شد. مراحل تحلیل محتوا شامل موارد زیر بود:

کدگذاری اولیه: شناسایی و برچسب‌گذاری واحدهای معنایی مرتبط با مفاهیم اخلاقی و عرفانی در پاسخ‌ها.

دسته‌بندی و مفهوم‌سازی: سازماندهی کدهای اولیه در دسته‌ها و مفاهیم کلی‌تر بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها.

تفسیر و نتیجه‌گیری: استخراج الگوها، مضامین و بینش‌های کلیدی از دسته‌ها و مفاهیم نهایی و ارتباط آن‌ها با سوالات پژوهش.

ادغام داده‌های کمی و کیفی: در مرحله نهایی، نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی و کیفی به صورت ترکیبی تفسیر و تبیین شد تا درک جامع‌تری از تأثیر ادبیات عرفانی بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان به دست آید. نتایج کیفی به تبیین و تعمیق یافته‌های کمی کمک کرده و ابعاد پنهان و جزئیات بیشتری را آشکار ساختند.

ملاحظات اخلاقی

در اجرای این پژوهش، کلیه اصول اخلاقی رعایت شد. این اصول شامل موارد زیر است: رضایت آگاهانه: شرکت دانش‌آموزان در پژوهش کاملاً داوطلبانه و با رضایت آگاهانه آن‌ها و اولیا بود. قبل از شروع پژوهش، توضیحات کامل در مورد اهداف، روش اجرا و نحوه استفاده از داده‌ها ارائه شد.

حفظ محرمانگی: اطلاعات شخصی و پاسخ‌های دانش‌آموزان کاملاً محرمانه حفظ شد و هیچ اطلاعاتی که هویت آن‌ها را فاش کند، در گزارش پژوهش منتشر نشد. عدم تحمیل: شرکت در پژوهش هیچ اجباری نداشت و دانش‌آموزان در هر مرحله می‌توانستند از شرکت در پژوهش انصراف دهند. ارائه بازخورد: در صورت تمایل دانش‌آموزان و مدارس، نتایج کلی پژوهش به آن‌ها ارائه شد.

مطالعات نظری

ادبیات عرفانی:

ادبیات عرفانی شاخه‌ای از ادبیات است که به بیان تجربه‌ها، اندیشه‌ها و احساسات عرفانی می‌پردازد. این نوع ادبیات با استفاده از زبان نمادین، استعاره و تمثیل، مفاهیم عمیق معنوی، رابطه انسان با خداوند، سیر و سلوک باطنی، و ارزش‌های اخلاقی و انسانی را به تصویر می‌کشد. آثار شاعران و عارفانی چون مولوی، حافظ، سعدی، عطار، سنایی و جامی از مهم‌ترین نمونه‌های ادبیات عرفانی فارسی هستند. مضامین اصلی در ادبیات عرفانی شامل عشق الهی، وحدت وجود، فنا، بقا، تزکیه نفس، ایثار، صبر، توکل و حقیقت‌جویی است. (پورنامداریان ۱۳۸۴)

اخلاق مداری:

تعریف اخلاق: کلمه اخلاق، جمع "خُلُق" و "خُلُق" است و بیشتر به صورت جمع به کار می‌رود. کلمه خُلُق دو بار در قرآن مجید به کار رفته است: (إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوْكِنِ) (شعرا: ۱۳۷) (إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ) (قلم: ۴) کلمه خُلُق از ماده "خَلَقْتَ" به معنی صفاتی است که از انسان جدا نمی‌شود و همچون خلقت و آفرینش انسان می‌گردد. معادل کلمه "خلق" در زبان فارسی، واژه "خوی" است. علم اخلاق علم چگونگی زیستن است که بر مبنای قواعدی، رفتار انسان برای نیل به کمال و سعادت توجیه می‌گردد و نیک و بد و خیر و شرها و بایدها و نبایدها شناخته می‌شود.

یکی از نظریه‌پردازان اخلاق اسلامی جوادی آملی است که با نگرش خاص صدرایی خود، توبه، زهد، ریاضت، تقوا محاسبه نفس، ایمان، ثبات نیت، صدق، انابه، اخلاص، خلوت تفکر، خوف و حزن، رجاء، صبر، شکر، اراده، شوق، محبت، معرفت، یقین سکون، توکل، رضا، تسلیم توحید، اتحاد و وحدت را به عنوان مقوله‌های اخلاق قرآنی برمی‌شمارد. (جوادی آملی: ۱۳۹۰)

با استناد به تعاریف ارائه‌شده، می‌توان گفت که اخلاق‌مداری به مجموعه‌ای از اصول، ارزش‌ها و قواعد رفتاری اطلاق می‌شود که تعاملات فردی و اجتماعی را تنظیم کرده و برپایه احترام به حقوق دیگران، مسئولیت‌پذیری، عدالت، صداقت، همدلی و رعایت قوانین استوار است. اخلاق‌مداری نه تنها شامل رفتارهای فردی بلکه نگرش‌ها و باورهایی است که فرد را در تعامل با جامعه راهنمایی می‌کند. در این پژوهش، اخلاق‌مداری به عنوان یک سازه چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که ابعاد نظیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احترام به دیگران، رعایت قوانین و مقررات، صداقت و امانت‌داری، و همدلی و نوع دوستی را شامل می‌شود.

دوره دوم متوسطه: این دوره آموزشی، مرحله‌ای حساس در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است. در این دوره، نوجوانان و جوانان با چالش‌های جدیدی در زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی و عاطفی روبرو می‌شوند و بنیان‌های ارزشی و اخلاقی آن‌ها تثبیت می‌گردد. آموزش در این دوره نه تنها بر انتقال دانش تخصصی بلکه بر پرورش ابعاد مختلف شخصیتی از جمله ابعاد اخلاقی و اجتماعی، تأکید دارد.

در گزارش نهایی اجلاس منطقه‌ای یونسکو آمده است: دوره متوسطه عبارت است از دوره برزخ یا دوره انتقالی میان آموزش پایه که عمومی و غیرتخصصی است و آموزش تخصصی‌تر در سطح آموزش عالی. متوسطه دوره‌ای است که در آن دانش‌آموزان گروه سنی چهارده تا هفده یا هجده ساله تحصیل می‌کنند و به دلیل تنوع برنامه‌ها و تعدد رشته‌های تحصیلی فرصت انتخاب دارند (صافی ۱۳۹۱: ۵۹).

این دوره با تشخیص طلبی و گسترش افق فکری از خلال علاقه‌ها و رغبت‌های متعدد و درون‌نگری و ظهور عقل نظری و تفرد همراه است. جستجوی شخصیت صورت‌محور حیات نوجوان به-شمار می‌رود. روی هم رفته، نوجوان موجودی قادر به تفکر و تعقل و در عین حال احساساتی و عاری از تعادل است ولی همواره می‌کوشد شخصیت گمشده خود را بازیابد و تعادل از دست رفته را باز به-چنگ آورد. او به هستی جامعه و اهمیت ارزش‌های آن پی برده است و در راه شناختن جامعه و سازگاری با آن تلاش می‌کند. جهت تربیت در این دوره نسبت به دوره کودکی وارونه است. به عبارت دیگر، آنچه در این دوره در درجه اول اهمیت قرار دارد تربیت عقلی نیست بلکه تربیت منش یا به بیان روشن‌تر تربیت شخصیت است (کاردان، ۱۳۵۱: ۵ و ۴)

با توجه به مطالب فوق تربیت اخلاقی و اهمیت بسط اخلاق‌مداری در این دوره سنی کاملاً ضروری و مورد نیاز جامعه است.

چارچوب نظری

این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه‌های شناختی-اجتماعی و نظریه‌های مربوط به تأثیر ادبیات بر تربیت اخلاقی، به بررسی تأثیر ادبیات عرفانی بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان می‌پردازد. نظریه شناختی-اجتماعی باندورا: این نظریه بر نقش یادگیری از طریق مشاهده، تقلید و الگوبرداری در شکل‌گیری رفتارها و ارزش‌های فردی تأکید دارد. شخصیت‌های مثبت و الگوهای رفتاری ارائه‌شده در ادبیات عرفانی می‌توانند به عنوان منابع یادگیری و الگو برای دانش‌آموزان عمل کنند و نگرش‌ها و رفتارهای اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. مفاهیمی چون ایثار، صبر و گذشت که در داستان‌ها و اشعار عرفانی به تصویر کشیده می‌شوند، می‌توانند به عنوان الگوهای رفتاری برای دانش‌آموزان عمل-کنند. (باندورا: ۱۳۷۲)

نظریه‌های مربوط به تأثیر ادبیات بر تربیت اخلاقی: این نظریه‌ها بر این باورند که ادبیات از طریق ایجاد همدلی، تحریک تخیل، ارائه دیدگاه‌های مختلف و طرح مسائل اخلاقی، می‌تواند به توسعه تفکر اخلاقی و شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی در مخاطبان کمک کند. مواجهه با شخصیت‌ها و موقعیت‌های اخلاقی در متون ادبی، دانش‌آموزان را به تفکر در مورد مسائل اخلاقی و انتخاب‌های مختلف و می‌دارد و زمینه‌ای را برای درونی‌سازی ارزش‌ها و تربیت اخلاقی فراهم می‌کند. تربیت اخلاقی به فرایندهایی گفته می‌شود که به زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی جهت شکوفایی، تقویت و ایجاد ویژگی‌ها، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و ازبین‌بردن صفات، رفتارها و آداب غیراخلاقی در خود یا دیگری می‌پردازد. از این رو:

۱- تربیت اخلاقی تنها شامل ویژگی‌های درونی نمی‌شود بلکه حوزه‌های صفات، رفتار و آداب اخلاقی را نیز دربرمی‌گیرد.

۲- تربیت اخلاقی فرایند و جریانی مستمر و مداوم است و به‌ویژه در زمینه ایجاد صفات نیک پایدار اخلاقی و ازبین‌بردن صفات زشت، نیاز به تلاش مستمر دارد و انتظار این که این صفات در مدت کوتاه و بدون تلاش فراوان در فرد ایجاد شود یا ازبین‌برود، انتظار نابجایی است.

۳- تربیت اخلاقی نیاز به زمینه‌سازی و برطرف کردن موانع دارد و باید از طریق آموزش مستقیم و غیرمستقیم، شناخت لازم نسبت به خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی را در فرد ایجاد و موانع موجود در شکل‌گیری تربیت اخلاقی را ازبین‌برد.

۴- تربیت اخلاقی نیازمند سه نوع تلاش است: یکی شکوفایی صفات فطری، دیگری تقویت صفات و رفتارهای اخلاقی کم‌رنگ و مقطعی و همچنین تغییر و اصلاح رفتارهای ضداخلاق و مورد آخر، ایجاد صفات و رفتارهای اخلاقی و ازبین‌بردن رفتارهای ضداخلاق است.

۵- تربیت اخلاقی هم جنبه خودسازی دارد و هم جنبه دیگرسازی. البته جنبه تربیتی بیشتر ناظر به دیگرسازی و جنبه اخلاقی بیشتر ناظر به خودسازی است. (همت بناری، ۱۳۷۹)

ادبیات عرفانی با طرح مفاهیم عمیق انسانی و معنوی، می‌تواند ابعاد جدیدی از ارزش‌های اخلاقی را برای دانش‌آموزان آشکار سازد.

تأثیرگذاری ادبیات عرفانی بر اخلاق‌مداری فردی:

تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی: ادبیات عرفانی سرشار از مفاهیمی چون عشق الهی، ایثار، صبر، فروتنی، گذشت، صداقت، و حقیقت‌جویی است. مواجهه فرد با این ارزش‌ها از طریق داستان‌ها، اشعار و حکایات عرفانی می‌تواند به درونی‌سازی آن‌ها و تبدیل شدنشان به هنجارهای رفتاری فردی منجر شود. به عنوان مثال، خواندن داستان‌هایی در مورد فداکاری عارفان می‌تواند فرد را به ایثار در زندگی شخصی ترغیب کند.

ارتقای خودشناسی و تزکیه نفس: ادبیات عرفانی بر اهمیت شناخت خود و پالایش نفس از رذایل اخلاقی تأکید دارد. مفاهیمی چون مبارزه با نفس اماره، دوری از حسد و کینه و طلب صفای باطن، می‌توانند به عنوان هنجارهای فردی در جهت خودسازی و بهبود اخلاقی عمل کنند. مطالعه احوال و سخنان عارفان که بر این جنبه‌ها تأکید دارند، می‌تواند فرد را در این مسیر راهنمایی کند.

ایجاد نگرش مثبت به زندگی و جهان: ادبیات عرفانی اغلب با نگاهی امیدوارانه و توحیدی به هستی می‌نگرد. تأکید بر رحمت و حکمت الهی، فانی‌بودن دنیا و اهمیت توجه به آخرت، می‌تواند به فرد آرامش درونی بخشیده و او را در مواجهه با مشکلات زندگی صبورتر و مقاوم‌تر کند. این نگرش مثبت می‌تواند به شکل‌گیری هنجارهای رفتاری مبتنی بر امید و تلاش منجر شود.

تقویت انضباط فردی: سیر و سلوک عرفانی مستلزم رعایت آداب و رسوم خاصی است که هدف آن کنترل نفس و تمرکز بر هدف متعالی است. اگرچه این آداب به شکل خاص مربوط به سلوک عرفانی است، اما اصول کلی آن مانند نظم، مداومت و پرهیز از افراط و تفریط می‌تواند به تقویت انضباط فردی در زمینه‌های مختلف زندگی کمک کند.

توسعه همدلی و شفقت: ادبیات عرفانی با تأکید بر وحدت وجود و ارتباط تنگاتنگ بین انسان‌ها و سایر مخلوقات، می‌تواند حس همدلی و شفقت را در فرد تقویت کند. درک این که همه از یک گوهر هستند، می‌تواند به شکل‌گیری هنجارهای رفتاری مبتنی بر احترام و مهربانی با دیگران منجر شود.

تأثیرگذاری ادبیات عرفانی بر اخلاق‌مداری اجتماعی:

تقویت انسجام اجتماعی: ارزش‌های مشترک اخلاقی و معنوی که در ادبیات عرفانی ترویج می‌شوند، می‌توانند به ایجاد یکپارچگی و انسجام در جامعه کمک کنند. تأکید بر عدالت، احسان، تعاون و پرهیز از ظلم و فساد، می‌تواند به شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی مطلوب منجر شود.

ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی: ادبیات عرفانی با تأکید بر نقش انسان به عنوان خلیفه الهی در زمین، می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در افراد تقویت کند. درک این مسئولیت می‌تواند به مشارکت فعالانه‌تر افراد در امور اجتماعی و تلاش برای بهبود جامعه منجر شود.

ترویج فرهنگ مدارا و تساهل: بسیاری از عارفان و شاعران عرفانی، دیدگاه‌های باز و روادارانه‌ای نسبت به ادیان و عقاید مختلف داشته‌اند. این رویکرد می‌تواند به ترویج فرهنگ مدارا و تساهل در جامعه و پذیرش تنوع‌های فرهنگی و مذهبی کمک کند.

نقد رفتارهای ناهنجار اجتماعی: ادبیات عرفانی اغلب به نقد ریاکاری، خودخواهی، ظلم و سایر رفتارهای ناهنجار اجتماعی می‌پردازد. این نقد می‌تواند به آگاهی‌بخشی و ایجاد حساسیت در جامعه نسبت به این مسائل و تلاش برای اصلاح آن‌ها کمک کند.

ایجاد الگوهای رفتاری مثبت: زندگی و سخنان عارفان و شخصیت‌های مثبت در داستان‌های عرفانی می‌توانند به عنوان الگوهای رفتاری برای افراد جامعه عمل کنند. پیروی از این الگوها می‌تواند به تقویت هنجارهای رفتاری مطلوب در سطح جامعه منجر شود.

مکانیسم‌های تأثیر:

تأثیر عاطفی: ادبیات عرفانی با استفاده از زبان شاعرانه و تصاویر جذاب، می‌تواند احساسات و عواطف مخاطب را برانگیخته و از این طریق بر باورها و رفتارهای او تأثیر بگذارد.

تأثیر شناختی: مواجهه با مفاهیم عمیق عرفانی می‌تواند به توسعه تفکر انتقادی و تعمق در مسائل اخلاقی و اجتماعی منجر شود.

الگوپردازی: شخصیت‌ها و داستان‌های عرفانی می‌توانند الگوهای رفتاری مثبت را به مخاطب ارائه دهند.

همدلی و همدات‌پنداری: مخاطب با شخصیت‌های داستان‌ها و اشعار عرفانی همدات‌پنداری کرده و از تجربیات آن‌ها درس می‌گیرد.

ویژگی‌های کتاب‌های درسی و تأثیر آن بر آموزش‌پذیری:

کیفیت محتوا: دقت علمی، به‌روز بودن اطلاعات، ارتباط با دنیای واقعی، و ارائه مفاهیم به صورت روشن و منطقی، از جمله عوامل مهم در کیفیت محتوا هستند. کتاب‌های درسی با محتوای غنی و معتبر، انگیزه و علاقه دانش‌آموزان را برای یادگیری افزایش می‌دهند.

ساختار و سازماندهی: سازماندهی منطقی مطالب، استفاده از سرفصل‌ها و زیرسرفصل‌های مناسب، ارائه خلاصه‌ها و جمع‌بندی‌ها و طراحی جذاب صفحات (استفاده از تصاویر، نمودارها و جداول مرتبط) به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ساختار درس را درک کرده و اطلاعات را موثرتر پردازش کنند.

زبان و لحن: استفاده از زبان مناسب با سطح درک دانش‌آموزان، پرهیز از اصطلاحات پیچیده و مبهم بدون توضیح کافی، و داشتن لحنی جذاب و انگیزه‌بخش، در تسهیل آموزش‌پذیری نقش بسزایی دارد.

تمرین‌ها و فعالیت‌ها: گنجاندن تمرین‌های متنوع (تستی، تشریحی، مسئله‌محور)، فعالیت‌های گروهی، پروژه‌ها و سوالات تفکر برانگیز، فرصت‌هایی را برای تعمیق یادگیری، کاربرد دانش و ارزیابی میزان درک فراهم می‌کند.

ارتباط با برنامه درسی: همسویی محتوای کتاب‌های درسی با اهداف و انتظارات برنامه درسی ملی و استانداردهای آموزشی، از اهمیت بالایی برخوردار است تا اطمینان حاصل شود که دانش‌آموزان دانش و مهارت‌های لازم را کسب می‌کنند.

فرهنگی و اجتماعی بودن: توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و استفاده از مثال‌ها و موقعیت‌های آشنا، می‌تواند ارتباط آن‌ها را با محتوا افزایش داده و یادگیری را معنادارتر سازد.

نمونه‌های عرفانی کتاب‌های دبیرستان و تحلیل تطبیقی

در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره دوم متوسطه، نمونه‌های برجسته‌ای از ادبیات عرفانی وجود دارد که می‌توان با تحلیل تطبیقی آن‌ها، مفاهیم عمیق عرفانی و اخلاقی را برای دانش‌آموزان روشن‌تر ساخت. به بیان دیگر با استفاده از روش‌های تحلیل تطبیقی، می‌توان مفاهیم عمیق عرفانی و اخلاقی موجود در ادبیات فارسی را به شیوه‌ای جذاب و قابل‌فهم برای دانش‌آموزان ارائه کرد و در راستای تقویت اخلاق‌مداری آنان گام برداشت.

نکات مهم در تحلیل تطبیقی:

تأکید بر نماد و استعاره: در تحلیل ادبیات عرفانی، مهم است که دانش‌آموزان با مفاهیم نماد و استعاره آشنا شوند و درک کنند که بسیاری از شخصیت‌ها، وقایع و اشیاء در این نوع ادبیات، معانی باطنی و عمیق‌تری دارند.

ارتباط با زندگی امروز: دبیران می‌توانند با طرح سؤالاتی که دانش‌آموزان را به تفکر درباره ارتباط این مفاهیم عرفانی با مسائل و چالش‌های زندگی امروزشان وادار می‌کند، یادگیری را عمیق‌تر و ملموس‌تر سازند.

ایجاد فضای بحث و گفتگو: تشویق دانش‌آموزان به بحث و تبادل نظر درباره برداشت‌های مختلف از متون عرفانی می‌تواند به درک بهتر و چندجانبه مفاهیم کمک کند.

در ادامه چند نمونه از دروسی که شامل ادبیات عرفانی در کتب فارسی دوره دوم متوسطه و تحلیل تطبیقی آن‌ها می‌باشد، و در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است؛ ارائه می‌شود:

تأثیر دیباچه گلستان سعدی در اخلاق‌مداری

دیباچه گلستان سعدی، به‌عنوان مقدمه‌ای موجز و بسیار پرمغز بر این اثر ارزشمند، حاوی نکات و آموزه‌های فراوانی در زمینه اخلاق و تربیت است که می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر اخلاق‌مداری خوانندگان، به‌ویژه دانش‌آموزان، داشته‌باشد. در ادامه به ابعاد مختلف این تأثیر می‌پردازیم:

۱. تأکید بر ناپایداری دنیا و ضرورت توجه به آخرت:

سعدی در ابتدای دیباچه با حمد و سپاس خداوند، به قدرت بی‌انتهای او، به ناپایداری دنیا و گذرا بودن لذات آن اشاره می‌کند. این یادآوری می‌تواند ذهن خواننده را از دلبستگی‌های صرفاً مادی دور کرده و توجه او را به ارزش‌های معنوی و پایدارتر جلب کند. درک این ناپایداری می‌تواند به فروتنی، قناعت و پرهیز از حرص و طمع که ریشه بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی است، منجر شود.

۲. بیان حکمت و اندرز به شیوه‌ای جذاب و دلنشین:

سعدی با استفاده از زبانی شیوا، آهنگین و مملو از صنایع ادبی، حکمت و اندرزهای خود را بیان می‌کند. این جذابیت زبانی باعث می‌شود که مخاطب با رغبت بیشتری به مطالعه و تفکر در مفاهیم ارائه‌شده، بپردازد. تأثیرگذاری یک پیام اخلاقی زمانی بیشتر است که به شیوه‌ای دلنشین و قابل‌فهم ارائه‌شود و سعدی در این امر استادانه عمل کرده‌است.

۳. اشاره به صفات نیکوی الهی و الگو قرار دادن آن‌ها:

سعدی در دیباچه به برخی از صفات نیکوی خداوند مانند بخشنده‌گی، مهربانی و عدل اشاره می‌کند. این صفات می‌توانند به‌عنوان الگوهای رفتاری برای انسان‌ها قرارگیرند و آن‌ها را به‌سوی نیکوکاری، مدارا و رعایت انصاف در تعاملات خود سوق دهند.

۴. تأکید بر اهمیت نیکوکاری و خدمت به خلق:

اگرچه در دیباچه مستقیم و مفصل به این موضوع پرداخته نشده‌است، اما لحن کلی سپاسگزاری از خداوند و اشاره به رحمت او، می‌تواند حس نوع‌دوستی و تمایل به خدمت به دیگران را در خواننده بیدار کند. گلستان در ادامه مفصل به این موضوع می‌پردازد و دیباچه زمینه‌ساز این نگرش می‌شود.

۵. ایجاد تواضع و فروتنی در برابر عظمت الهی:

لحن ستایش‌آمیز سعدی نسبت به خداوند و اعتراف به ضعف و ناتوانی انسان در برابر قدرت او، می‌تواند حس تواضع و فروتنی را در خواننده تقویت‌کند. این فروتنی می‌تواند مانع از تکبر، خودبینی و رفتارهای ناشی از آن شود که اغلب با اصول اخلاقی در تضاد هستند.

۶. پرورش نگرش سپاسگزارانه:

حمد و سپاسگزاری مکرر از خداوند در دیباچه، می‌تواند نگرش سپاسگزارانه را در خواننده پرورش دهد. قدردانی از نعمت‌ها و الطاف الهی می‌تواند به رضایت درونی، کاهش حسادت و قدردانی از داشته‌ها منجر شود که همگی از مؤلفه‌های اخلاق‌مداری هستند.

تأثیر بر آموزش‌پذیری دانش‌آموزان:

آشنایی با نثر فاخر و بلیغ فارسی: مطالعه دیباچه گلستان، دانش‌آموزان را با نمونه‌ای از نثر فاخر و بلیغ فارسی آشنا می‌کند و مهارت‌های زبانی و ادبی آن‌ها را تقویت می‌کند. این آشنایی می‌تواند درک آن‌ها از سایر متون ادبی و از جمله متون عرفانی را نیز بهبود بخشد.

درک مفاهیم اخلاقی در بستری ادبی: سعدی مفاهیم اخلاقی را در قالب یک اثر ادبی جذاب ارائه می‌کند، که می‌تواند تأثیر عمیق‌تری نسبت به نصایح خشک و مستقیم داشته باشد. دانش‌آموزان ممکن است این مفاهیم را در بستری هنری بهتر درک و به‌خاطر بسپارند.

تقویت تفکر و تعمق: مفاهیم مطرح‌شده در دیباچه می‌تواند دانش‌آموزان را به تفکر در مورد معنای زندگی، ارزش‌های اخلاقی و ارتباط انسان با خداوند و دیگران وادار کند.

تأثیر منطق الطیر عطار در اخلاق‌مداری

"هفت وادی" یا "هفت شهر عشق" عطار نیشابوری، که در منظومه عرفانی مشهور او "منطق‌الطیر" به تصویر کشیده شده است، یک چارچوب نمادین و عمیق برای سفر روحانی و سیر و سلوک عرفانی به سوی خداوند است. هریک از این وادی‌ها مراحل و موانعی را نشان می‌دهد که سالک (جوینده راه حق) در این مسیر با آن‌ها مواجه می‌شود. این مراحل نه تنها جنبه‌های معنوی بلکه ابعاد اخلاقی و رفتاری فرد را نیز دربرمی‌گیرند و تأثیر قابل‌توجهی در اخلاق‌مداری دارند. در ادامه به تأثیر هریک از این وادی‌ها در اخلاق‌مداری می‌پردازیم:

۱. وادی طلب:

مفهوم عرفانی: نخستین گام در راه سلوک، بیداری و احساس نیاز به جستجو و یافتن حقیقت است. سالک با درک نقص‌ها و محدودیت‌های دنیوی، اشتیاقی سوزان برای وصال حق پیدامی‌کند.

تأثیر در اخلاق‌مداری: این وادی فرد را از بی‌تفاوتی و رضایت به وضع موجود دور کرده و حس کنجکاوی، پرسشگری و تلاش برای کسب معرفت و فضائل اخلاقی را در او بیدار می‌کند. طلب، فرد را به سوی جستجوی الگوهای اخلاقی و تلاش برای بهبود مستمر خود سوق می‌دهد.

۲. وادی عشق:

مفهوم عرفانی: پس از طلب، عشق نیرومندترین محرک سالک در این راه است. عشقی که همه تعلقات دنیوی را سوزانده و فرد را به فداکاری و از خودگذشتگی در راه معشوق (خداوند) و خلق او وامی‌دارد.

تأثیر در اخلاق‌مداری: عشق، منشأ بسیاری از رفتارهای اخلاقی نیکو مانند ایثار، مهربانی، گذشت، همدلی و فداکاری است. سالکی که در وادی عشق قدم می‌گذارد، انگیزه‌ای قوی برای خدمت به دیگران و چشم‌پوشی از منافع شخصی در راه رضایت حق پیدامی‌کند. عشق، خودخواهی و کینه را از دل می‌زداید و جای آن را با محبت و شفقت پر می‌کند.

۳. وادی معرفت:

مفهوم عرفانی: در این وادی، حجاب‌های جهل و نادانی از پیش چشم سالک کناررفته و او به درک عمیق‌تری از حقیقت هستی، صفات الهی و جایگاه انسان در عالم دست‌می‌یابد. معرفت، بصیرت و آگاهی را به‌ارمغان می‌آورد.

تأثیر در اخلاق‌مداری: معرفت، بنیان استوار برای رفتارهای اخلاقی آگاهانه است. فردی که به درک درستی از عدالت، حکمت و رحمت الهی می‌رسد، در تعاملات خود با دیگران نیز سعی در رعایت این اصول خواهد داشت. معرفت، فرد را از تعصب، قضاوت‌های نادرست و رفتارهای ناشی از جهل و نادانی دور می‌کند.

۴. وادی استغنا:

مفهوم عرفانی: سالک در این مرحله، با اتکا به خداوند و بی‌نیازی از غیر او، از وابستگی به لذت‌ها، مقام‌ها و داشته‌های دنیوی رهایی‌شود. استغنا، آزادی درونی و بی‌اعتنایی به ظواهر فریبنده دنیا را به‌همراه دارد.

تأثیر در اخلاق‌مداری: استغنا، فرد را از حرص، طمع، حسادت و رقابت‌های ناسالم که اغلب منجر به رفتارهای غیراخلاقی می‌شوند، مصون می‌دارد. فرد مستغنی، عزت نفس بالایی دارد و برای کسب رضایت دیگران یا حفظ منافع دنیوی خود، از اصول اخلاقی تخطی نمی‌کند.

۵. وادی توحید:

مفهوم عرفانی: در این وادی، سالک به شهود وحدت حقیقی هستی نائل می‌شود و درمی‌یابد که همه چیز از اوست و به سوی او بازمی‌گردد. توحید، دیدگاه فرد را نسبت به جهان و انسان‌ها تغییر می‌دهد و او را از دیدن کثرت‌های ظاهری به سوی درک وحدت باطنی رهنمون می‌سازد. تأثیر در اخلاق‌مداری: درک توحید، حس برادری و یگانگی با تمام مخلوقات را در فرد تقویت می‌کند. او دیگران را نه به‌عنوان بیگانه بلکه به‌عنوان جلوه‌هایی از همان حقیقت واحد می‌بیند و در نتیجه، با آن‌ها با احترام، همدلی و مهربانی بیشتری رفتار می‌کند. توحید، هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی را نفی می‌کند.

۶. وادی حیرت:

مفهوم عرفانی: پس از تجربه توحید، عظمت و بی‌نهایت بودن حق برای سالک آشکارتر می‌شود و او دچار حیرت و سرگردانی در برابر این همه شکوه و جلال می‌گردد. حیرت، نشانه‌ای از ناتوانی عقل محدود بشری در درک کنه ذات الهی است و تواضع و تسلیم را به همراه دارد. تأثیر در اخلاق‌مداری: حیرت، فرد را از غرور و خودبزرگ‌بینی دور می‌کند و به او یادآوری می‌کند که دانش و فهم او در برابر عظمت هستی بسیار ناچیز است. این تواضع، زمینه‌ساز رفتارهای فروتنانه، پذیرش اشتباهات و احترام به دیدگاه‌های دیگران می‌شود.

۷. وادی فقر و فنا:

مفهوم عرفانی: آخرین وادی، فنا شدن خود سالک در ذات حق است. در این مرحله، "منیت" و "خودخواهی" از بین رفته و فرد به نوعی یگانگی با معشوق دست می‌یابد. فقر در اینجا به معنای نیاز مطلق به خداوند و فنا به معنای از دست دادن هستی مستقل در برابر هستی اوست. تأثیر در اخلاق‌مداری: فنا، بالاترین مرتبه اخلاق‌مداری را به همراه دارد. فردی که از خود فانی شده، دیگر هیچگونه انگیزه‌ای برای رفتارهای خودخواهانه، ظالمانه یا فریبکارانه ندارد. تمام اعمال او بر اساس رضایت حق و خدمت به خلق شکل می‌گیرد. او از هرگونه تعلق و وابستگی رها شده و با تمام وجود در خدمت خیر و صلاح دیگران است.

تأثیر نی‌نامه (هجده بیت آغاز مثنوی) بر اخلاق‌مداری

هجده بیت آغازین مثنوی معنوی، مشهور به "نی‌نامه"، نه تنها مقدمه‌ای بر کل این اثر عظیم عرفانی است، بلکه به شکلی عمیق و موجز، آموزه‌های اخلاقی و معنوی بنیادینی را در خود جای داده است که

می تواند تأثیر قابل توجهی بر اخلاق‌مداری فرد داشته باشد. در ادامه به ابعاد مختلف این تأثیر می‌پردازیم:

مفاهیم عرفانی:

۱. تأکید بر درد فراق و اشتیاق به اصل:

نی در این ابیات نمادی از روح انسان است که از عالم معنا (نیستان) جدا افتاده و همواره در اشتیاق بازگشت به اصل خویش (خداوند) است. این حس فراق و اشتیاق، فرد را متوجه بُعد معنوی وجود خود می‌کند و از دلبستگی صرف به لذات مادی و دنیوی باز می‌دارد. این توجه به بُعد معنوی، زمینه‌ساز ارزش‌های اخلاقی والاتری می‌شود.

۲. بیان همدردی و همدلی با همنوعان:

نی از درد جدایی ناله می‌کند و این ناله، همدردی هر صاحب دلی را برمی‌انگیزد. این تأکید بر همدردی و درک رنج دیگران، یکی از پایه‌های اساسی اخلاق‌مداری است. فردی که با درد دیگران احساس مشترک دارد، به‌طور طبیعی به‌سوی رفتارهای مهربانانه و کمک‌رسانی سوق پیدا می‌کند.

۳. نقد خودخواهی و حجاب‌های نفسانی:

مولانا در این ابیات به کسانی اشاره می‌کند که از زبان نی (حقیقت) بی‌خبرند و حجاب‌های نفسانی مانع از درک آن‌ها می‌شود. این نقد، تلویحاً بر ضرورت کنار گذاشتن خودخواهی، غرور و سایر رذایل اخلاقی که مانع از دیدن حقیقت و ارتباط با دیگران به شکلی سالم می‌شوند، تأکید دارد.

۴. دعوت به شنیدن و درک سخن حق:

نی‌نامه دعوتی است به شنیدن و درک "سخن عشق" و "راز درون". این گوش‌سپردن نه تنها به معنای شنیدن کلام بلکه به معنای پذیرش و عمل به آن نیز هست. سخن حق همواره متضمن آموزه‌های اخلاقی و راهنمایی به‌سوی رفتارهای نیکو است.

۵. تأکید بر اهمیت عشق و سوز دل:

عشق به عنوان نیروی محرکه اصلی در راه سلوک عرفانی در این ابیات برجسته می‌شود. این عشق نه تنها عشق الهی بلکه شامل عشق به همنوعان نیز می‌شود. سوز دل و احساس مسئولیت در قبال دیگران، از نتایج این عشق است که نقش مهمی در اخلاق‌مداری دارد.

۶. بیان رنج‌های راه و لزوم صبر و استقامت:

مسیر بازگشت به اصل (سیر و سلوک) با رنج‌ها و چالش‌های فراوانی همراه است. مولانا با اشاره به این رنج‌ها، تلویحاً بر ضرورت صبر، استقامت و تحمل سختی‌ها در راه دستیابی به کمالات اخلاقی و معنوی تأکید می‌کند.

۷. اشاره به محدودیت‌های عقل جزئی و ضرورت شهود:

در این ابیات، مولانا ضمن احترام به عقل، به محدودیت‌های آن در درک حقایق عمیق اشاره می‌کند و بر اهمیت شهود و تجربه باطنی تأکید می‌ورزد. این دیدگاه می‌تواند فرد را از تعصب و جمود فکری دور کرده و پذیرای دیدگاه‌های مختلف و حقایق فراتر از استدلال صرف‌نماید که در تعاملات اجتماعی و اخلاق‌مداری بسیار مهم است.

۸. دعوت به رهایی از تعلقات دنیوی:

نی‌نامه با بیان حس غربت و دوری از اصل، غیرمستقیم بر فانی بودن لذات دنیوی و ضرورت رهایی از تعلقات مادی تأکید می‌کند. این رهایی می‌تواند فرد را از رفتارهای ناشی از حرص و طمع و دلبستگی‌های افراطی که اغلب با اصول اخلاقی منافات دارند، آزاد سازد.

تأثیر بر اخلاق‌مداری:

تقویت حس همدلی و نوع‌دوستی: درک درد فراق نی و همدردی با آن، می‌تواند حس همدلی و نوع‌دوستی را در فرد تقویت کند و او را به‌سوی رفتارهای مهربانانه و کمک‌رسان سوق دهد. ارتقای خودآگاهی اخلاقی: نقد حجاب‌های نفسانی، فرد را به تفکر در مورد انگیزه‌ها و رفتارهای خود و تلاش برای اصلاح آن‌ها وامی‌دارد. تشویق به جستجوی حقیقت و عمل به آن: دعوت به شنیدن سخن حق، فرد را به‌سوی جستجوی ارزش‌های اخلاقی و تلاش برای عمل به آن‌ها رهنمون می‌سازد. تقویت صبر و استقامت در مواجهه با چالش‌ها: اشاره به رنج‌های راه، فرد را برای مواجهه با مشکلات زندگی و حفظ اصول اخلاقی در شرایط دشوار آماده می‌کند. ایجاد تواضع و پذیرش دیدگاه‌های دیگران: تأکید بر محدودیت‌های عقل جزئی، فرد را از تعصب دور کرده و پذیرای نظرات مختلف می‌سازد. کاهش دلبستگی به مادیات و توجه به ارزش‌های معنوی: یادآوری دوری از اصل و فانی بودن دنیا، فرد را از تمرکز صرف بر مادیات بازداشته و به سوی ارزش‌های اخلاقی و معنوی سوق می‌دهد.

تأثیر فی حقیقه العشق سهروردی در اخلاق‌مداری

رساله "فی حقیقه العشق" شهاب‌الدین سهروردی، معروف به شیخ اشراق، اگرچه به‌طور خاص یک اثر تعلیمی اخلاقی به معنای سنتی نیست، اما حاوی آموزه‌های عمیق و ظریفی است که غیرمستقیم و از طریق تبیین مفهوم عشق حقیقی (عشق الهی) و مراحل آن، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در تربیت اخلاقی و تهذیب نفس سالک داشته‌باشد. درواقع، از دیدگاه سهروردی، سلوک عرفانی و دستیابی به عشق حقیقی، خود مسیری است به‌سوی کمال اخلاقی. در ادامه به مهم‌ترین آموزش‌های اخلاقی مستتر در این مبحث اشاره می‌کنیم:

پالایش قلب و زدودن موانع عشق:

سهروردی تأکید می‌کند که عشق حقیقی تنها در قلبی پاک و خالص جای می‌گیرد. موانعی چون خودخواهی، حسد، کینه، دلبستگی به لذات دنیوی و غرور، حجاب‌هایی هستند که مانع از تجلی عشق الهی در وجود انسان می‌شوند. آموزش اخلاقی ضمنی در این بخش، ضرورت تزکیه نفس و زدودن این رذایل اخلاقی برای دستیابی به کمال معنوی و در نتیجه، داشتن رفتارهای اخلاقی نیکو است. قلبی که از این آرایش‌ها پاک‌شود، ظرفیت بیشتری برای عشق‌ورزیدن به خدا و خلق می‌یابد.

فناي نفس در عشق الهی و رهایی از خودخواهی:

یکی از مراحل والای عشق در نظر سهروردی، فنا شدن عاشق در معشوق (حق تعالی) است. این فنا به معنای ازبین‌رفتن خودبینی و خودخواهی است. فردی که در عشق الهی فانی‌شود، دیگر انگیزه‌ای برای رفتارهای خودمحورانه و آسیب‌رسان به دیگران ندارد. تمام اعمال و نیات او در راستای رضایت معشوق و خدمت به مظاهر او (مخلوقات) خواهدبود. این مفهوم، بالاترین درجه ایشار و ازخودگذشتگی اخلاقی را تبیین می‌کند.

درک جمال و جلال الهی به‌عنوان انگیزه رفتارهای نیکو:

سهروردی با توصیف جمال و جلال الهی، انگیزه اصلی برای عشق‌ورزیدن و اطاعت از او را تبیین می‌کند. درک این زیبایی و عظمت، نه‌تنها شوق وصال را در دل برمی‌انگیزد، بلکه فرد را به انجام اعمالی که مورد رضایت اوست (اعمال نیکو و اخلاقی) ترغیب می‌کند. به عبارت دیگر، زیبایی‌شناسی عرفانی در سهروردی، خود یک انگیزه قوی برای رفتارهای اخلاقی است.

سلوک تدریجی و لزوم صبر و استقامت:

رساله "فی حقیقه العشق" مراحل مختلف عشق را به‌تصویر می‌کشد که نشان‌دهنده یک سلوک تدریجی و پیوسته است. این امر به‌طور ضمنی بر ضرورت صبر و استقامت در مسیر تهذیب نفس و

کسب فضائل اخلاقی تأکید دارد. رسیدن به کمال اخلاقی یک فرآیند زمان‌بر است و نیازمند تلاش مداوم و تحمل دشواری‌هاست.

اهمیت همنشینی با اهل عشق و معرفت:

سهروردی به تأثیر مصاحبت با کسانی که در راه عشق الهی قدم گذاشته‌اند و از معرفت بالایی برخوردارند، اشاره می‌کند. این همنشینی می‌تواند الهام‌بخش باشد و فرد را در مسیر درست اخلاقی و معنوی هدایت کند. تأثیر الگوهای رفتاری در تربیت اخلاقی، از این منظر مورد توجه قرار می‌گیرد.

نفی تعلقات دنیوی به عنوان مانع کمال:

سهروردی تأکید می‌کند که دلبستگی به لذات زودگذر دنیوی و تعلقات مادی، مانع از پرواز روح به سوی عالم معنا و دستیابی به عشق حقیقی می‌شود. این آموزه، به‌طور ضمنی بر ضرورت زهد و وارستگی اخلاقی و پرهیز از حرص و طمع که ریشه بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی است، دلالت دارد.

درک وحدت وجود و محبت به همه مخلوقات:

هرچند "وحدت وجود" در فلسفه اشراق سهروردی با تفسیر خاص خود مطرح می‌شود، اما در کلیت نگرش او، نوعی پیوند عمیق بین تمام موجودات عالم و منشأ الهی آن‌ها وجود دارد. درک این پیوند می‌تواند منجر به محبت و شفقت به همه مخلوقات و پرهیز از هرگونه آزار و بی‌عدالتی نسبت به آن‌ها شود.

تأکید بر نور و روشنائی به عنوان نماد خیر و فضیلت:

در فلسفه اشراق، نور، حقیقت و خیر مطلق است و تاریکی، نیستی و شر. سلوک عرفانی درواقع حرکت از تاریکی‌های جهل و نفسانیت به سوی نور معرفت و عشق الهی است. این نمادپردازی، به‌طور ضمنی، ارزش فضائل اخلاقی (نورانی بودن) و مذموم بودن رذایل اخلاقی (تاریک بودن) را القامی‌کند.

تأثیر تذکره الاولیا عطار در اخلاق‌مداری

"تذکره الاولیا" فریدالدین عطار نیشابوری، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار در حوزه شرح حال و زندگینامه عارفان و اولیای الهی است. این کتاب با ارائه داستان‌ها، حکایات، سخنان و کرامات این بزرگان، غیرمستقیم و از طریق ارائه الگوهای رفتاری و نگرشی، تأثیر عمیقی بر اخلاق‌مداری خوانندگان، می‌گذارد. در ادامه به ابعاد مختلف این تأثیر می‌پردازیم:

مفاهیم عرفانی:

۱. ارائه الگوهای اخلاقی و رفتاری:

"تذکره الاولیا" سرشار از شرح زندگی عارفانی است که در طول حیات خود، نمونه‌های برجسته‌ای از فضائل اخلاقی مانند زهد، تقوا، صبر، ایثار، فروتنی، صداقت، عدالت، مهربانی و خدمت به خلق را به‌نمایش گذاشته‌اند. مطالعه این زندگی‌نامه‌ها، الگوهای عملی و ملموسی را برای پیروی در اختیار خواننده قرار می‌دهد و او را به سوی کسب این فضائل ترغیب می‌کند. دیدن تجلی این صفات در زندگی افراد واقعی، تأثیرگذاری بیشتری نسبت به نصایح صرف دارد.

۲. نشان‌دادن نتایج نیکوی اخلاق فاضله:

داستان‌های "تذکره الاولیا" اغلب نشان می‌دهند که چگونه پایبندی به اصول اخلاقی، عارفان را به مقامات معنوی بالا رسانده و موجب احترام و محبت مردم شده‌است. همچنین، عواقب ناگوار رفتارهای غیراخلاقی نیز به‌طور ضمنی در برخی حکایات به تصویر کشیده می‌شود. این امر، درک عمیق‌تری از ارزش و اهمیت اخلاق‌مداری در زندگی فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند.

۳. تقویت انگیزه برای تهذیب نفس:

مطالعه احوال عارفانی که با مجاهدت‌های فراوان به تزکیه نفس و پالایش درون پرداخته‌اند، می‌تواند انگیزه قوی‌ای در خواننده برای تلاش در جهت اصلاح خود و دوری از رذایل اخلاقی ایجاد کند. دیدن نمونه‌های موفق از این خودسازی، امید به امکان تغییر و تحول مثبت را در فرد زنده می‌کند.

۴. ایجاد همدلی و درک عمیق‌تر ارزش‌های معنوی:

داستان‌های "تذکره الاولیا" اغلب با زبانی ساده و صمیمی بیان می‌شوند و احساسات و تجربیات عارفان را به تصویر می‌کشند. این امر می‌تواند حس همدلی خواننده را برانگیخته و او را با ارزش‌های معنوی و اخلاقی که این بزرگان به آن‌ها پایبند بوده‌اند، پیوند دهد. درک این ارزش‌ها از طریق تجربه عاطفی، تأثیر ماندگارتری دارد.

۵. ترویج فرهنگ مدارا و احترام به عقاید دیگران:

در "تذکره الاولیا"، عطار شرح حال عارفانی با مشرب‌ها و دیدگاه‌های مختلف را گردآوری کرده است. این تنوع نشان می‌دهد که راه‌های رسیدن به حقیقت متعدد است و لزوم احترام به عقاید و

سلوک‌های متفاوت را یادآور می‌شود. این امر می‌تواند به ترویج فرهنگ مدارا و تساهل در جامعه کمک کند.

۶. نقد رفتارهای ظاهری و تأکید بر جوهر اخلاق:

بسیاری از داستان‌های "تذکره الاولیا" به نقد ریاکاری، تظاهر به زهد و توجه صرف به ظواهر دینی می‌پردازند و در مقابل، بر اهمیت اخلاص، صدق دل و جوهر معنوی اعمال تأکید می‌کنند. این نقد می‌تواند خواننده را متوجه اهمیت باطن نیکو در کنار ظاهر موجه سازد.

۷. تقویت صبر و توکل در برابر مشکلات:

زندگی عارفان در "تذکره الاولیا" اغلب با سختی‌ها، آزمون‌ها و مصائب گوناگون همراه بوده است. نحوه برخورد صبورانه و متوکلانه آن‌ها با این مشکلات می‌تواند به خواننده درس پایداری و اعتماد به خداوند در شرایط دشوار را بیاموزد که از مؤلفه‌های مهم اخلاق‌مداری است.

۸. ایجاد نگرش مثبت به جهان و زندگی:

با وجود سختی‌ها، عارفان "تذکره الاولیا" اغلب نگرشی مثبت و امیدوارانه به جهان و زندگی داشته‌اند و همواره بر رحمت و حکمت الهی تأکید کرده‌اند. این نگرش می‌تواند به خواننده نیز سرایت کرده و او را در مواجهه با چالش‌های زندگی، خوشبین‌تر و مقاوم‌تر سازد.

تأثیر بر اخلاق‌مداری:

ارائه داستان‌های جذاب و آموزنده: حکایات کوتاه و پرمغز "تذکره الاولیا" می‌تواند برای دانش‌آموزان جذاب و در عین حال آموزنده باشد و آن‌ها را با مفاهیم اخلاقی به شیوه‌ای غیرمستقیم آشنا کند.

تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی: بررسی زندگی و سخنان عارفان می‌تواند دانش‌آموزان را به تفکر در مورد ارزش‌های اخلاقی، انگیزه‌ها و پیامدهای رفتارهای مختلف وادار کند.

آشنایی با میراث فرهنگی و عرفانی: مطالعه این اثر، دانش‌آموزان را با بخش مهمی از میراث فرهنگی و عرفانی ایران آشنایی کند و زمینه را برای درک عمیق‌تر ادبیات عرفانی فراهم می‌سازد.

ایجاد الگوهای مثبت در ذهن: آشنایی با شخصیت‌های وارسته و اخلاق‌مدار می‌تواند الگوهای رفتاری مثبتی را در ذهن دانش‌آموزان شکل دهد.

پیشنهاد نحوه تدریس ادبیات عرفانی در کلاس درس:

خواندن و شرح ساده: ابتدا بیت یا ابیات مورد نظر خوانده شده و معانی لغوی واژه‌ها توضیح داده شود.

تحلیل عرفانی: سپس با زبانی ساده و متناسب با سطح درک دانش‌آموزان، مفاهیم عرفانی نهفته در شعر تبیین شود.

ارتباط با اخلاق: در ادامه، به‌طور مشخص به ارتباط این مفاهیم عرفانی با ارزش‌ها و اصول اخلاقی پرداخته شود و مثال‌های عینی از زندگی روزمره ارائه گردد.

پرسش و پاسخ: فضایی برای پرسش و پاسخ و تبادل نظر بین دانش‌آموزان فراهم شود تا درک عمیق‌تری از موضوع پیدا کنند.

فعالیت‌های خلاقانه: می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا برداشت‌های خود را از شعر در قالب نقاشی، داستان کوتاه یا نمایشنامه به تصویر بکشند.

با استفاده از این نمونه‌ها و روش‌های آموزشی فعال، می‌توان اشعار عرفانی موجود در کتاب‌های درسی را به ابزاری مؤثر در جهت ارتقای اخلاق‌مداری دانش‌آموزان تبدیل کرد.

پیشنهادهای پژوهش‌های آتی

با توجه به اهمیت موضوع و محدودیت‌های این پژوهش، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌گردد:

انجام پژوهش‌های مشابه در سایر مناطق جغرافیایی و با نمونه‌های آماری بزرگتر و متنوع‌تر. استفاده از روش‌های پژوهش ترکیبی (کیفی و کمی) به منظور درک عمیق‌تر تأثیر ادبیات عرفانی بر اخلاق‌مداری.

بررسی تأثیر روش‌های مختلف تدریس ادبیات عرفانی بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان. انجام پژوهش‌های طولی برای بررسی تأثیر بلندمدت آموزش ادبیات عرفانی بر تحولات اخلاقی دانش‌آموزان.

بررسی نقش سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی در تعامل با آموزش ادبیات عرفانی بر شکل‌گیری اخلاق‌مداری.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ادبیات عرفانی دوره دوم متوسطه بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار برنامه‌ریزان آموزشی، دبیران ادبیات و پژوهشگران حوزه تربیت اخلاقی قرار دهد و به ارتقای کیفیت آموزش و

پرورش در کشور کمک‌کند. امید است که این مطالعه بتواند گامی مؤثر در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌های غنی ادبیات فارسی، به‌ویژه آثار عرفانی، در تربیت نسلی اخلاق‌مدار و مسئولیت‌پذیر بردارد.

ادبیات عرفانی با ارائه یک نظام ارزشی غنی و جامع، می‌تواند نقش به‌سزایی در هنجارپذیری فردی و اجتماعی ایفاکند. تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی، خودشناسی، نگرش مثبت، انضباط فردی، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مدارا و نقد رفتارهای ناهنجار، همگی می‌توانند به شکل‌گیری افراد و جوامعی سالم و متعالی کمک‌کنند. با این حال، میزان و نوع این تأثیر بستگی به نحوه مواجهه فرد و جامعه با این ادبیات و همچنین عوامل فرهنگی و اجتماعی دیگر دارد. آموزش صحیح و هدفمند ادبیات عرفانی در نظام آموزشی و ترویج آن در جامعه می‌تواند به بهره‌گیری هرچه بیشتر از این ظرفیت ارزشمند منجر شود.

از طرف دیگر، آموزش‌پذیری از کتاب‌های درسی دبیرستان یک فرآیند پیچیده است که تحت تأثیر تعامل بین ویژگی‌های کتاب، ویژگی‌های دانش‌آموزان و نحوه تعامل آن‌ها با محتوا قرار دارد. با طراحی کتاب‌های درسی با کیفیت بالا، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، و ترویج روش‌های مطالعه فعال و عمیق، می‌توان سطح آموزش‌پذیری و اثربخشی این ابزار آموزشی مهم را میزان قابل‌توجهی افزایش داد. نظام آموزشی و معلمان نقش کلیدی در تسهیل این فرآیند و ایجاد انگیزه و علاقه در دانش‌آموزان برای یادگیری از کتاب‌های درسی دارند. از جمله متونی که شامل ادبیات عرفانی در دوره دوم متوسطه می‌باشند به دیباچه گلستان سعدی می‌توان اشاره نمود که با وجود کوتاهی، حاوی مضامین عمیق اخلاقی و تربیتی است که می‌تواند تأثیر مثبتی بر اخلاق‌مداری دانش‌آموزان داشته باشد. تأکید بر ناپایداری دنیا، ارائه حکمت به شیوه‌ای جذاب، اشاره به صفات الهی و ایجاد حس تواضع و سپاسگزاری، همگی می‌توانند در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای اخلاقی مطلوب مؤثر باشند. با این حال، نقش معلم در تسهیل درک مفاهیم و ارتباط آن‌ها با زندگی روزمره دانش‌آموزان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه و تحلیل دقیق دیباچه گلستان می‌تواند گامی ارزشمند در جهت آموزش اخلاق‌مداری در نظام آموزشی باشد.

از دیگر دروس، درس سیم‌رخ و سی مرغ از هفت وادی عطارمی باشد که یک نقشه راه جامع برای تحول معنوی و اخلاقی انسان ارائه می‌دهد. هریک از این وادی‌ها نه تنها یک مرحله عرفانی بلکه یک گام در جهت پالایش نفس و دستیابی به فضائل اخلاقی والاتر است. آموزش و تفکر در مفاهیم این وادی‌ها می‌تواند تأثیر عمیقی در اخلاق‌مداری دانش‌آموزان داشته باشد و او را به‌سوی رفتارهای نیکو، مسئولانه و خداپسندانه سوق دهد. این مفاهیم می‌توانند به‌ویژه برای دانش‌آموزان که در مرحله شکل‌گیری شخصیت و ارزش‌های خود هستند، بسیار آموزنده و الهام‌بخش باشند. با تبیین این مراحل

به زبان ساده و مرتبط با زندگی روزمره، می‌توان آن‌ها را به ابزاری مؤثر در تربیت اخلاقی نسل جوان تبدیل کرد.

نی‌نامه با زبانی نمادین و شاعرانه، مجموعه‌ای از آموزه‌های عمیق اخلاقی و معنوی را در خود جای داده‌است که می‌تواند تأثیر به‌سزایی در اخلاق‌مداری فرد داشته‌باشند. تأکید بر همدلی، نقد خودخواهی، دعوت به حقیقت‌جویی، تقویت صبر، ایجاد تواضع و کاهش دلبستگی به مادیات، همگی از جمله پیام‌های اخلاقی نهفته در این ابیات هستند. درک و تأمل در این مفاهیم می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای اخلاقی مطلوب در فرد کمک‌کند و او را در مسیر یک زندگی معنادار و مسئولانه راهنمایی نماید. برای دانش‌آموزان نیز، آشنایی با این ابیات و تفسیر آن‌ها می‌تواند دریچه‌ای نو به سوی فهم ارزش‌های اخلاقی و معنوی بگشاید.

آموزش‌های اخلاقی در درسی از کتاب "فی حقیقه العشق" سهروردی مستقیم و دستوری بیان‌نشده‌اند، بلکه از طریق تبیین مفهوم عشق حقیقی و مراحل آن، ضرورت پالایش نفس، فنای در عشق الهی، درک جمال و جلال حق، صبر و استقامت در سلوک، اهمیت همنشینی با اهل معرفت، نفی تعلقات دنیوی و محبت به همه مخلوقات به عنوان پیش‌شرط‌ها و نتایج این عشق، ظرفانه و عمیق القامی شوند. از دیدگاه سهروردی، سیر و سلوک عرفانی و دستیابی به عشق حقیقی، خود عین کمال اخلاقی است و فردی که به این مرتبه برسد، به‌طور طبیعی از رفتارهای ناپسند دوری کرده و به فضائل اخلاقی آراسته می‌شود. مطالعه و تأمل در این رساله می‌تواند نگرش فرد را نسبت به اخلاق متحول ساخته و او را در مسیر تهذیب نفس و کسب فضائل راهنمایی کند.

حکایاتی که از کتاب "تذکره الاولیا" عطار با ارائه شرح زندگی عارفان و اولیای الهی در کتب درسی مطرح شده‌است، منبع غنی و ارزشمندی برای آموزش غیرمستقیم اخلاق‌مداری است. این حکایات از طریق ارائه الگوهای رفتاری، نشان‌دادن نتایج اخلاق فاضله، تقویت انگیزه برای تهذیب نفس، ایجاد همدلی، ترویج مدارا، نقد رفتارهای ظاهری، تقویت صبر و توکل و ایجاد نگرش مثبت، می‌تواند تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی و رفتارهای مسئولانه در نسل جوان، داشته‌باشد. تشریح این داستان‌ها و حکایات آموزنده این کتاب در برنامه‌های آموزشی و تشویق دانش‌آموزان به مطالعه آن می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای اخلاق‌مداری در جامعه باشد.

با توجه به اهمیت اخلاق‌مداری در جامعه اسلامی و نیاز نظام آموزشی کشورمان به تعالیم دینی و اخلاقی، انتظار می‌رود آموزش مفاهیم اخلاقی باظرافت خاصی برنامه‌ریزی شود. وجود یک مبانی نظری منسجم و تحلیل تطبیقی صحیح ادبیات عرفانی، ضمن جلوگیری از پراکندگی موضوع‌ها و انسجام مطالب موجب یادگیری عمیق‌تر این مفاهیم اخلاقی خواهد شد.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نهج البلاغه.
- ۳) آزاد، غلامحسین. (۱۳۷۶). روانشناسی اخلاقی. تهران: انتشارات بعثت.
- ۴) استعلامی، محمد (۱۳۹۸) فرهنگنامه تصوف و عرفان، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- ۵) امیرکبیری، علیرضا، داروئیان، سهیلا (۱۳۹۰) برداشت‌های اخلاق حرفه‌ای مدیران، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری شماره (۱، ۱۳۹۰)
- ۶) باقری، خسرو. (۱۳۸۳). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
- ۷) باندورا، آلبرت، (۱۳۷۲). نظریه یادگیری اجتماعی، مترجم فرهاد ماهر. تهران: نشر راهگشا.
- ۸) جعفری، محمدتقی (۱۳۵۴) در قلمرو معرفت تعلیم و تربیت اسلامی، به کوشش: محمدرضا جوادی، تهران: پیام آزادی.
- ۹) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰) مبادی اخلاق در قرآن، قم: نشر اسرا
- ۱۰) حسینی، محمد، (۱۳۸۳) بررسی ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی، فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی (۳۴:ش: ۲)
- ۱۱) دانشنامه زبان و ادب فارسی (به سرپرستی اسماعیل سعادت)، ج ۱، ادبیات عرفانی، تقی پورنامداریان، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۲) رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲) انواع شعر، شیراز: نوید شیراز.
- ۱۳) زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). ارزش میراث صوفیه. تهران: امیرکبیر.
- ۱۴) ----- (۱۳۶۴). جستجو در تصوف / ایران. تهران: امیرکبیر.
- ۱۵) ساکی، رضا (۱۳۹۰) اخلاق در پژوهش‌های آموزشی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری شماره (۲، ۱۳۹۰)
- ۱۶) سجادی، سید ضیال‌الدین (۱۳۷۶) مقدمه ای بر عرفان و تصوف، چاپ ششم، تهران: سمت.
- ۱۷) سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله. گلستان. شرح: یوسفی غلامحسین (۱۳۷۸) تهران: خوارزمی.
- ۱۸) سهروردی، فی الحقیقه العشق، مترجم صابری، محمد علی (۱۴۰۰) تهران: علم.
- ۱۹) شریعتمداری، علی. (۱۳۷۲). جامعه و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۰) شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). انواع ادبی. تهران: میترا.

- ۲۱) صافی، احمد (۱۳۹۱) آموزش و پرورش ایران در صد ساله گذشته، ویژه‌نامه رشد دوره هجدهم
- ۲۲) طه‌وریان، حبیب‌الله. (۱۳۸۸). ادبیات عرفانی ایران. تهران: سخن.
- ۲۳) عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابراهیم، تذکره الاولیا. تصحیح و شرح: مقام فر، محمدعلی (۱۳۸۹) تهران: فکر روز.
- ۲۴) -----، منطق‌الطیر. تصحیح و شرح: کاظم دزفولیان (۱۳۸۷) تهران: طلایه.
- ۲۵) عین‌القضات همدانی، تمهیدات، تصحیح: عسیران، عقیف (۱۴۰۱) تهران: مولی.
- ۲۶) گروه مؤلفان، کتاب‌های فارسی متوسطه دوره دوم (۱۴۰۰) تهران: شرکت نشر و چاپ کتب درسی ایران.
- ۲۷) گروه نویسندگان (۱۳۷۹) تربیت اسلامی، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۲۸) ----- (۱۳۷۹) مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش.
- ۲۹) مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
- ۳۰) موحد، ضیا (۱۳۷۳) سعدی، تهران: طرح نو.
- ۳۱) مولوی، جلال‌الدین محمد بن حسین بلخی. مثنوی معنوی. شرح: زمانی، کریم (۱۳۹۰) تهران: اطلاعات.
- ۳۲) همت بناری، علی (۱۳۷۹) تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن، فصلنامه تربیت اسلامی، ش. ۲.